من و اماس

خواب یا بیداری؛ مسئله «اماس» این است

مریم پیمان

● «۱۱ نفـر در تصادف کشـته شـدند». خبر تلخ است گویی. «خب!» چشمانش متعجب است. از مرگ و هولناکی آن می‌گوید. توان باز نگه‌داشـتن چشـمانم و اندیشـیدن به حرف‌های او را ندارم. اسـتدلال می‌کند و من از موهبـت مرگ در روزگار سـردرگمی برای مسـافران کشته‌شـده در جاده می‌گویـم. سـکوت در میـان ما حاکم می‌شـود. سـرم را در میان دو دست می‌گیرم. دلم لحظه‌ای خـواب آرام می‌خواهد؛ خوابی بدون هوشـیاری و هشـدارهای تن، فهم هر حرکت یا نـور، درد یا گرفتگی، گرسنگی یا تشـنگی. انگار ۱۰ ساعت کار روزانه به اندازه کافی جسـم را برای خوابیدن آرام و آماده نمی‌کند. بیداری‌های شبانه و خستگی‌های روزانه، برنامه هوای بهاری شـهریور است. شب از نیمه هم گذشته اسـت. غلت می‌زنم و چشمانم را می‌بندم. زمان نمی‌گذرد. صورتم را در بالشـت فشـار می‌دهم؛ اما از خواب خبری نیسـت. تلفن را برمی‌دارم و همه شـبکه‌های اجتماعی را نگاه می‌کنم. حتی یک پیام نخوانده باقی نمانده است. حوصله کتاب و فیلم را هـم ندارم. دلم قدم‌زدن در فضای خنک آخرین روزهای شـهریور تهران را می‌خواهد. به سـاعتم نگاه می‌کنم؛ ۳:۱۵ بامداد. پوزخند می‌زنـم روی صفحه زمان؛ هیچ‌گاه زمان، واقعیت مـن را ننمایانده اسـت. عقب‌تر، جلوتر، تندتـر یا کندتر از همدیگـر بوده‌ایم. خودم را روی تخت رها می‌کنم. «می‌تراود مهتاب/ می‌درخشـد شب‌تاب/ نیسـت یک‌دم شـکند خواب به چشم کس و لیک/ غم این خفته چند/ خواب در چشـم ترم می‌شکند». با خودم فکر می‌کنم؛ فریبا هم هر شب تا صبح بیدار اسـت و وقتی خورشید اتاق را دربر می‌گیـرد، به خواب مـی‌رود. بارها در روز از شدت خسـتگی خوابش می‌برد و در کمتر از چند دقیقه بیدار می‌شـود. خوابی ناآرام و هوشیار و در یک عبارت ناتوانی در به‌خواب‌رفتن یا بیدارماندن. کلافه با خودم مرور می‌کنم. همه وسـایل خواب مهیا هسـتند و ساعت‌هاسـت که چـای یا قهوه نخـورده‌ام. اضطرابـی در روز نداشـته‌ام. چیزی در پاهایـم می‌پیچد مثـل درد و من را بعد از چند ساعت تلاش برای خواب، به‌سرعت بیدار می‌کند. به سـاعت نگاه می‌کنم؛ ۴:۴۰ را نشـان می‌دهد. گویی ۱۰ دقیقه خوابیده‌ام. سرمای عجیب پیچیده در پاهایـم را با پتو مهار می‌کنم. توان برخاسـتن و به دستشـویی رفتـن را ندارم و تـوان مقاومت در برابـر حمله بیداری ناشـی از درد. به سـقف خیره می‌شـوم. «نگران با من استاده سحر/ صبح می‌خواهـد از من/ کز مبـارک دم او آورم این قوم به‌جان‌باخته را بلکه خبر». بلند می‌شـوم. سرمای آب روی تنـم لرز بـه جانم می‌انـدازد. به خودم می‌پیچم و در خاطراتم خم می‌شوم. به شب‌های متعدد بیداری فکر می‌کنم و متن‌های خوانده‌نشده روی میز، به نیمه‌شب‌های درگیری و التماس برای خواب و ناتوانی مـن در خوابیدن. به یاد می‌آورم حمله‌های خـواب در میانه دورهمی و حرف‌زدن با فریبا و دشـواری بیدارماندن او. به رنگ بی‌رنگ نور صبح نگاه می‌کنم. به کوچه آماده بیدارشدن. چراغ را روشـن می‌کنم. به چهره خسته و سیاهی زیر چشـمانم در آینه خیره می‌شوم. شاید دو شب ناآرام، شبی با خوابی عمیق به همراه آورد.

بررسی «شرق» از روند تغییرات حجاب زنان مسئول در ۲ دهه اخیر

زنان شورا بدون پروتکل حجاب

عکس: ایرنا

معصومـه اصغری: روزهـای انتخاباتی بروشـورها و تصاویر زیادی از زنان نامزد برای شورای شـهر تهران و شهرهای دیگر به مخاطبانشان می‌رسـید که در آنهـا زنانی عموما جوان، با پوشـش‌هایی متفاوت از آنچه برای زنان مسـئول و مدیر معمول است و بیشتر به حجاب زنان عموم جامعه نزدیک اسـت، حضور داشـتند. تصور عام این است که این روند تنها برای تبلیغات انتخاباتی اسـت و هرکـدام از آنها که در انتخابـات برنده شـوند، خیلی زود همان فرم همیشـگی زنان مدیر و مسـئول را که تاکنون بوده، رعایت می‌کنند؛ اما این‌بار این‌گونه نشد. از میان شـش زن شورای شهر تهران که به‌نحوی الگویی برای شوراهای دیگر شـهرها هسـتند، سـه زن حجاب چادر ندارند و مانند بسیاری از زنانی که نمایندگی‌شـان را در شـورای شهر دارند، پوششـان مانتو و روسری است.

انتخـاب حجاب به‌جز چادر سـال‌ها قبل از سـوی الهه کولایی در کسـوت نمایندگی مجلس دوره ششم به شکلی به چالش کشیده شد؛ آن زمان ریاسـت مجلس از او خواسته بود برای حضور در مجلس از چادر استفاده کند؛ اما او گفته بود در پوسترهای تبلیغاتی، مردم من را با این ظاهر دیده‌اند و حالا با همین پوشش در همه اماکن ازجمله سر کلاس درس و دانشگاه و مجلس می‌روم.

آن‌طور که تجربیات دولت‌هـای مختلف اصولگرا و اصلاح‌طلب و اعتدالی نشان داده، این موضوع ربطی به گرایش دولت‌ها ندارد. شاید پذیرش‌هایی که تاکنون در برابر چادر برای حضور در مسـئولیت وجود داشـته، به دلیل مخالفت‌نکردن زنان قبلی برای حفظ مسئولیتشـان بوده اسـت. به عبارت دیگر، زنان زیادی بـا این توجیه که مهم حضور یک زن در این مسـئولیت است و دیگر ظاهر با چادر یا بی‌چادر تفاوتی نـدارد، این حـق انتخاب را برای خـود حذف می‌کننـد. انتخاب لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور دولـت دوازدهم، اتفاق خوبی برای کابینه بود؛ اما خیلی زود این انتخاب به حواشـی منتهی شد که سؤالات زیادی را ایجاد کرد.

خانم جنیدی از اسـتادان دانشگاه تهران اسـت و پیش از انتخاب به‌عنـوان معاون رئیس‌جمهور، همیشـه بدون چـادر همه‌جا حاضر می‌شـد؛ اما بعد از منصوب‌شدن در سمت جدید، او با پوشش چادر در کابینه حاضر شـد. در اینجا هم این سؤال مطرح بود که خانم جنیدی می‌توانسـت آنچه که به‌عنـوان پروتکل کابینه دولت مطرح شـده را رد کنـد یا نه؟ واقعیت این اسـت که برای بسـیاری از زنان در جامعه و البته زنان مسـئول که حجاب کامل با مانتـو دارند، این تصور و فکر وجـود دارد که حجاب کامـل آنها با مانتو هم رعایت می‌شـود و اگر برای زمانی با توجه به الزامات چادر هم به سـر کنند، مشـکلی پیش نمی‌آید و به‌عبارتی توجه به خود حجاب، آنها را با این شـروط همراه می‌کنـد. البته آنچه که به‌عنوان پروتکل حجاب در کابینه الزام شـده، گویا فقط همان حضور در کنار کابینه را شامل می‌شود و خانم جنیدی در برخی از مراسـم‌های رسـمی بیرون از کابینه، با ظاهر مانتو رسمی حاضر شده است.

اما آنچه که بنای نوشـتن این گزارش شد، نوع پوشش زنان شورای شـهر تهران بود. سه زن بدون چادر شورای شـهر تهران؛ یعنی ناهید خداکرمـی، الهام فخاری و بهاره آروین، بـا مانتوهایی که بر تن عموم زنان در جامعه دیده می‌شود، در صحن شورا حاضر می‌شوند. مانتوها و روسـری‌های رنگی و بدون ویژگی گران‌قیمت‌بـودن که مخاطب را به این نگاه می‌رسـاند که این زنان شـبیه خود ما هستند. پیش‌تر زنان شورای شهر تهران همه چادر سر داشتند.

سـه زن شـورای اول؛ یعنی فاطمـه جلایی‌پور، صدیقه وسـمقی و جمیله کدیور، چادر سـر داشـتند. زنـان شـورای دوم یعنی؛ منظر خیرحبیب‌اللهی، نسرین سلطان‌خواه و مهنوش معتمدی‌آذر، چادر به سر داشـتند و زنان دوره سوم؛ یعنی معصومه آباد، پروین احمدی‌نژاد و معصومه ابتکار نیز هر سـه چـادری بودند. فاطمه دانشـور اولین زنی بود که در شـورای شـهر تهران بدون چادر در کنار ۳۱ عضو دیگر نشسـت. او به‌تبع ظاهری که همیشه در محیط‌های اقتصادی حضور می‌یافـت و همه او را می‌شـناختند، در شـورای شـهر تهـران هم با مانتوهایی بلند و گشـاد و عموما گران‌قیمت و روسری بلند و هم‌رنگ حاضر می‌شد.

در دوره چهارم این حضور دانشـور واکنشـی را به همراه نداشت و او حتی در جلسـه و دیدار اعضای شـورای شهر تهران با مقام معظم رهبری هم از همین پوشش اسـتفاده کرد. در دوره‌های اول تا چهارم که زنان با چادر در صحن شـورا و فضاهای عمومی حاضر می‌شـدند، حتی برخی از روسـری‌های رنگی زنانی که چادر به سر داشتند هم با واکنش‌هایی روبه‌رو بود و معصومه ابتکار که همیشـه روسـری با تم رنگ سبز به سر دارد، دراین‌باره مرکز توجه بیشتری بود.

زنان عضو شـورای پنجم که مانتو به تن دارند، این ویژگی تفاوت در نوع پوشـش مانتو، یعنی خاص‌بودن را هم ندارند و مانتوهای آنها در عین مناسـب‌بودن، گران‌قیمت نیستند و شبیه به زنان دیگر شهر مانتو و روسری پوشیده‌اند. این تفاوت‌نداشـتن گاه در محیط‌های عمومی یا حتی صحن شـورای شهر تهران آنها را شبیه به سایر زنان و خبرنگاران می‌کند.

بسـیاری از زنـان در جامعه ما سال‌هاسـت که حجابشـان مانتو اسـت که البته در بخشـی از جامعه هم این حجاب رعایت نمی‌شود؛ اما نمی‌توان با الزاماتی برای اسـتفاده از نـوع خاصی از حجاب، حق انتخاب را از زنان گرفت و حالا این حرکت زنان شورای شهر تهران برای حضورشـان با مانتو و روسری در صحن شـورا و میان مردم، تأییدی بر تحقق و ادامه همین حق انتخاب است.

شاید آنچه زمینه انتخاب و رأی‌دادن مردم به زنان شورای شهر تهران که با حجاب مانتو در شورا حضور دارند را فراهم کرده، فارغ از حضور در لیست امید، همین هم‌شکل‌بودن با بخش زیادی از جامعه و البته زنان و شبیه‌شدن به آنها بود؛ اتفاقی که چند دهه است زنان جامعه ما انتظار آن را می‌کشند؛ داشتن نمایندگانی شبیه به خودشان، حتی در ظاهر

به گزارش «شرق»، به نظر می‌رسد آنچه نمایندگان مردم در شورای شهر تهران بر آن تأکید دارند، شبیه‌بودن آنها حداقل در ظاهر، به عموم کسانی اسـت که به آنها رأی داده‌اند. زنان شورا که تعدادشان در این دوره به شـش نفر رسـیده و رکورد حضور زنان در شورای شهر تهران را شکسـته اسـت، به نظر در پی هم‌رنگی با جامعه زنان هستند. این رفتار بیشتر خیال زنان شـهروند را راحت می‌کند، وقتی می‌بینند عضو شورای شهرشان مانتو و روسری‌ای را پوشیده و همان مدلی را استفاده می‌کند که خودشان در سطح جامعه اسـتفاده می‌کنند و درعین‌حال حجاب هم دارند.

ناهید خداکرمی، عضو شـورای پنجم شـهر تهران و یکی از سه زن عضو شوراسـت که حضورش با همان حجاب همیشگی در دانشگاه و فضاهای عمومی جامعه بوده است. او معمولا با پوششی ساده و البته رنگی و شاد در صحن شورا حضور می‌یابد و معتقد است تصمیم‌گرفتن در مورد پوشـش زنان از سـوی دیگران به‌هیچ‌وجه پسـندیده نیست.

او در پاسـخ به «شرق» می‌گوید در شورای شـهر تهران از سوی امور اداری یا ریاسـت یا از بیرون از شورا الزام، توصیه یا فشاری برای تغییر پوشش خود نداشته است و ادامه می‌دهد: «پیش‌تر که در محیط‌های بیمارستانی و دانشگاهی یا مسئولیت‌های دولتی حضور داشتم، بیشتر از مقنعه همراه با مانتو اسـتفاده می‌کردم، در شورا هم بعضی روزها متناسب با میزان کار و فضایی که می‌رویم مقنعه می‌گذارم، اما عموما از روسری‌های رنگی و شاد استفاده می‌کنم چون در معرض دید مردم، رسانه‌ها و تلویزیون هستیم و داشـتن ظاهر آراسته اولویت دارد؛ مثلا روز گذشته که از صبح در چند نقطه از تهران برای تودیع شهرداران زن جابه‌جا شدیم و کارمان زیاد بود، از مقنعه و مانتوهایی بلندتر و گشادتر اسـتفاده کردیم، اما در روزهایی که در صحن شورا هستم، از روسری و مانتوهایی رسـمی‌تر اسـتفاده می‌کنم. او می‌گوید عموم زنان جامعه آراستگی، توازن و عرف در جامعه را در پوشش خود رعایت می‌کنند و این حق انتخاب در پوشش را نباید از آنها گرفت».

خداکرمی می‌گوید حجاب ما هم حجاب کاملی است و نمی‌توان به آن ایرادی گرفت، در صحن شورا و فضاهای عمومی و اجرائی دیگری هم که حضـور داریم، زمینه‌ای از تناقض وجود ندارد و همه‌چیز کاملا عادی پیش می‌رود. او تصریح می‌کند که این انتخاب و همراهی با زنان جامعه حتی در نوع پوشـش برای آن است که زنان بدانند نمایندگان آنها در شورای شهرشـان شبیه به خودشان هستند، چراکه سال‌ها این گروه از زنان جامعه مورد بی‌مهری بوده‌اند.

به گزارش «شـرق»، به نظر می‌رسـد زنان شورای شهر تهران برای اسـتفاده از چادر الزام و پروتکلی نداشـته‌اند و این موضوع بیشتر به عضو شـورابودن مربوط می‌شـود، چراکه عضویت در شورای شهرها مسـئولیت محسـوب نمی‌شـود و شـاید اگر این‌گونه بود این سه زن شـورای شـهر تهران هم برای حضور در مسـئولیت خود یا باید چادر به‌سـر می‌کردند یا باید در برابر آنچه بـدون قانون تبدیل به پروتکل یا عرف شده مقاومت می‌کردند.

در این سال‌ها که حجاب در جامعه ما تبدیل به قانونی الزامی شده اسـت، زنان شهرها و روسـتاها همواره در میان مسئولان مرد با زنانی روبه‌رو بوده‌اند که چادر به سـر داشتند. بعدها هم که جمعیت زنان با پوشش مانتو در جامعه زیاد شد، باز هم همان زنان با همان پوشش در مناصب دولتی حضور داشتند و همچنان این نگاه درمورد زنان مدیر و مسئول در بین زنان جامعه وجود داشت. شاید آنچه که زمینه انتخاب و رأی‌دادن مردم به این زنان در شورای شهر تهران را فارغ از حضور در لیست امید فراهم کرد، همین هم‌شکل‌بودن با بخش زیادی از جامعه و البته زنان و شبیه‌شـدن به آنها بود؛ اتفاقی که چند دهه اسـت زنان جامعه ما انتظار آن را می‌کشند؛ داشتن نمایندگانی شبیه به خودشان، حتی در ظاهر.

تهرانشهر

همایش دیرین

علیرضا زمانی

● آغاز محرم است و پرسابقه‌ترین همایش فرهنگی شـهر از روز آدینه افتتاح می‌شود؛ همایشی دیرین که امسال چهارصدوشصت‌وچهارمین مراسم رسمی آن برپا خواهد شـد؛ مراسـمی که به صورت غیررسمی سابقه‌ای هزارسـاله در این شـهر دارد. پایه‌گذار این همایـش ماندگار فرهنگی که قریب بـه اتفاق مردم شـهر در آن شـرکت می‌کنند، بانویی از تبار اصیل و فرهنگـی این سـرزمین بود. خواهر شاه‌طهماسـب صفوی، پرورش‌یافته مکتـب هنری هرات، بنیان‌گذار اولین تکیه شـهر بود و «تکیه خانوم» به‌عنوان اولین مرکز فرهنگی و مرکـز برپایی این همایش، به نام این بانوی بزرگوار، در این سرزمین ثبت شد.

بـا آغـاز دوره قاجـار و پایتختـی تهـران، مراکز این‌چنینی رو به گسترش نهاد. تهران که به لحاظ تنوع قومی و فرهنگی ممتازترین شهر ایران بود و همچنان نیز هسـت، شاهد برپایی روزافزون این مراکز فرهنگی قومی بود. تکیه قمی‌ها، تکیه کرمانی‌ها، تکیه خلج‌ها و تکیه افشـارها کنـار تکایای محلی مـردم تهران، رنگ‌وبویـی دیگر بـه تهـران و محرم‌هایش می‌داد. مراکزی که ایام مشروطیت تعدادشان به ۷۰ می‌رسید.

ایام محـرم که می‌شـد، تکایـا هریـک به‌مثابه نگارخانـه‌ای در شـهر افتتـاح می‌شـد. چادرهای برافراشـته‌ای که کار دسـت هنرمندان اصفهان بود و نقش شـیر که نمادی از اسـدالله، علی بن‌ابیطالب بود، آسـمان تکیه را زینت می‌بخشـید. طاق‌نماهای دورتادور تکیه نیز هریک به‌مثابه غرفه‌هایی در اختیار اهالی محـل قرار می‌گرفت. در روسـتاها و مناطقی مانند شـمیران که هنوز شـهر نبودنـد، همین مراکز فرهنگی برپا و هر طاق‌نما دسـت یکی از طایفه‌های روسـتا بود. طاق‌نماهایـی که به هنـر اهالی محل یا طایفه‌های روسـتا با شـال‌ها، ترمه‌ها، پارچه‌های قلمکاری‌شـده، فرش‌هـای زیبـا، شـمع‌ها، لاله‌ها، چلچراغ‌هـا و توغ‌ها تزییـن می‌یافت. سـماورهای برنجـی بـزرگ، کنار دوسـتکامی‌ها (ظـروف بزرگ مخصوص شربت) و بسـاط چای و قهوه کنار برپایی نمایش تعزیه و اشـعار و اصواتی که در دستگاه‌های خاص خود خوانده می‌شد، فضایی دل‌انگیز و تراژیک درون تکیـه ایجاد می‌کرد. یکی، دو طاق‌نما نیز غرفه ویژه تکیه بود و با وسایلی مانند کشکول، تبرزین، بوق و تسبیح و همچنین پوست زیبای حیواناتی مانند پلنگ، روباه، خرس و سمور تزیین می‌یافت. مراسم فرهنگی ویژه این دو غرفه خاص، مراسـمی بود تحت عنوان محتشـم‌خوانی. در این غرفه فردی اهل شعر و هنر می‌نشسـت که به محتشـم‌خوان معروف و کارش خواندن اشعار زیبا و سوزناک محتشم‌کاشانی در رثای سرور شهیدان عالم، حسین بن علی، بود. دراین‌میان، بزرگ‌ترین مکان فرهنگی شهر تکیه دولت بود؛ همان تکیه‌ای که بزرگ‌ترین تماشاخانه این شهر بود و تا به امروز مرکزی فرهنگی شبیه آن بنا نشده است.

امروزه از تکایای قدیم شهر که هنوز سر پا هستند، می‌تـوان نزدیک به ۲۰ تکیه را در این شـهر پیدا کرد. تکایایی که کنـار کارکرد اصلی‌شـان، نگارخانه‌های آیینی این شـهر هستند. نگارخانه‌هایی که کنار برپایی عزای حسـین، فرزند بانـوی آب و آینه، محل نمایش تابلوها، نقاشی‌ها، نخل‌ها (ویژه مراسم فراموش‌شده نخل‌گردانی) و توغ‌ها هستند. توغ‌هایی که روزگاری، قرار جوانان سیاه‌پوش این شـهر برای شروع مراسم همایـش بزرگ محـرم پای آنها گذاشـته می‌شـد. به‌این‌ترتیـب بود که نخسـتین پاتـوق و پاتوق‌های فرهنگی در این شـهر شـکل گرفت؛ پاتوق‌هایی که روزگاری مرکز اشـاعه اخلاق و ادب در این شهر بود و امید که تا ابد چنین باقی بماند... .

جدول ۲۹۲۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- آنچـه وجـود واقعـی دارد- سـامان بخشـی- سرپرسـت ۲- هـم زمان- قسـمت‌های آغازین- شـتر عربی ۳- شهرسـتانی در آذربایجان شـرقی- بازگرداندن متـن از یک زبان بـه زبان دیگـر- زن گندم‌گـون ۴- نام خداونـد در دین یهود- ضمیر اشـاره- لجبـاز ۵- میان- شهرستانی در اسـتان قزوین- پشت‌سـر ۶- چه غریبانه رفتنـد از ایـن خانـه- گیره کاغـذ- مرگ‌ومیـر جمعی ۷- بنـدری در هنـد- دوازده دوجیـن- دارای مقـام و منزلـت ۸- پـاداش- از القـاب حضـرت فاطمـه (س)- آداب و رسـوم ۹- شـب گذشته- پسـر گودرز در شـاهنامه- نقصان ۱۰- آب‌بند- قاضی- سـاعت بزرگ و مشهور کاخ وسـت مینسـتر لندن ۱۱- ناخوشایندبودن- حفرکـردن- زیبایـی قابـل درک امـا توصیف‌ناپذیـر ۱۲- رمان مشـهور شـارلوت برونته انگلیسی- شبانگاه- پیروی کردن ۱۳- به کاربستن قانون- آدرس- کامل و تمام ۱۴- فارسی باستان- طبیعی و معمولی- بیماری التهابی حنجـره ۱۵- سـم کشـنده- در جایی مانـدن- صندلی دندان‌پزشکی.

عمودی:

۱- بند شمشـیر- وسـیله اندازه‌گیری سـرعت باد- سـدی در جنـوب کشـور ۲- معروف‌ترین اثر هوشـنگ مرادی کرمانی، نویسـنده کودک و نوجوان- دستبند زنانه ۳- فلانی- اسب خالدار- میوه قرآنی ۴- کشیدنی بی‌ضرر- بیماری ویروسی جانوران گوشـتخوار- شرور ۵- گرمی و حرارت- لازم- نامی که جغرافی‌دانان یونانی به ایران داده بودند ۶- شـهری در اسـتان کرمان- لاشه جانور- بندگی ۷- اهل تاجیکستان- پایتخت مصر- روکار ساختمان ۸- با ایمان- نوعی پارچه پنبه‌ای- بینی ۹- مهره‌ای در شطرنج- فاقد شـتاب و سـرعت- بیماری ۱۰- حرف دهن‌کجی- زن نازا- چهره مانـدگار آواز ایـران ۱۱- دوربین نجومی- تأکید شـده- منجمد ۱۲- محل آموختن درس- آهن‌ربا- سـطح چیزی ۱۳- بندری در بلغارسـتان- باعـث و موجب- کوره گچ‌پزی ۱۴- نوعی بارانی- مجموعـه اصول و قواعدی که نوع حکومت و قوای حاکم را مشخص می‌کند ۱۵- پهلوان- رودی پر آب که به دریاچه هامون می‌ریزد- صندلی کلاس.

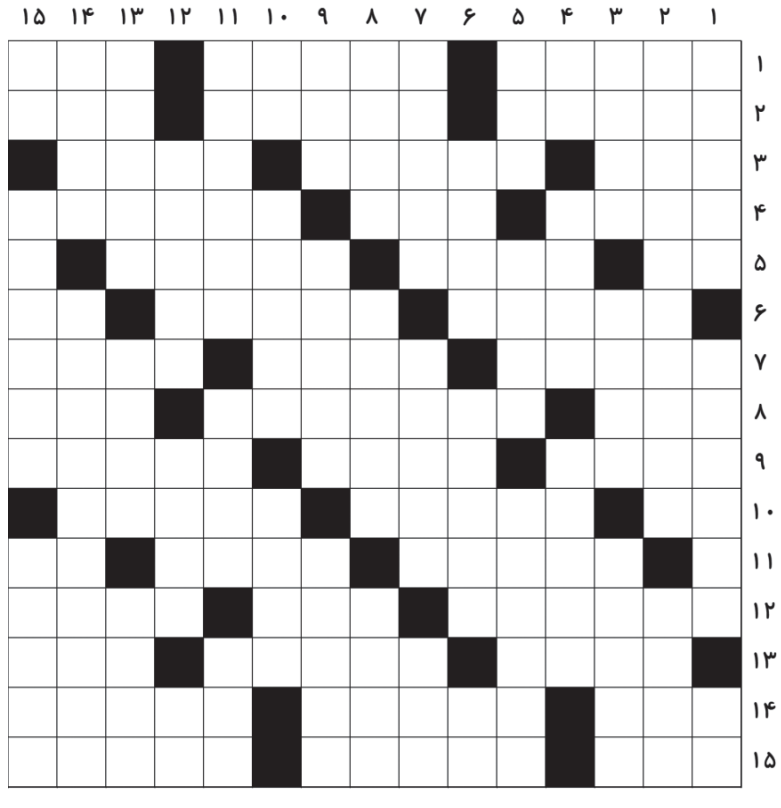

حل سودوکو سخت

۹	۵	۴	۷	۲	۳	۶	۸	۱
۱	۷	۸	۴	۹	۶	۳	۵	۲
۶	۳	۲	۱	۸	۵	۷	۹	۴
۸	۱	۷	۹	۳	۴	۲	۶	۵
۵	۲	۳	۶	۷	۸	۱	۴	۹
۴	۶	۹	۲	۵	۱	۸	۷	۳
۳	۹	۵	۸	۶	۲	۴	۱	۷
۲	۴	۶	۵	۱	۷	۹	۳	۸
۷	۸	۱	۳	۴	۹	۵	۲	۶

حل سودوکو ۱۹۲۲

۳	۶	۴	۸	۹	۵	۷	۲	۱
۲	۱	۵	۳	۷	۴	۸	۹	۶
۷	۸	۹	۲	۱	۶	۳	۵	۴
۹	۳	۶	۵	۲	۷	۱	۴	۸
۸	۵	۷	۹	۴	۱	۲	۶	۳
۱	۴	۲	۶	۳	۸	۵	۷	۹
۵	۹	۱	۴	۸	۲	۶	۳	۷
۶	۷	۳	۱	۵	۹	۴	۸	۲
۴	۲	۸	۷	۶	۳	۹	۱	۵

جدول ۲۹۲۶

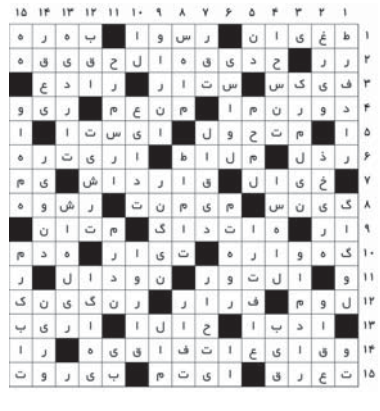

سودوکو سخت ۱۹۲۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵			۱	۷		۶	
۶	۹		۳	۴	۸			
۳		۱	۹					
		۴				۸	۳	
۵			۸					۱
				۳			۷	
۲	۴						۹	
	۶	۵			۱		۸	
				۹	۴			۲

سودوکو ۱۹۲۳

۶	۹		۳			۵	۸	
		۷		۱	۶		۳	
		۴		۷	۸			۶
۲		۸			۵	۹		
۹		۵				۴	۱	۸
۷	۱	۳			۹			۵
		۹	۶		۲	۳		
۱		۲		۴	۳		۶	
۴	۳					۸	۵	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.